

The Study of the Impact of Religiosity on Neighborly Relations (A Case Study of Babol, Mazandaran, Iran)

Nader Razeghi (Corresponding Author, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, razeghi@umz.ac.ir)

Ali Asghar Firouzjaieyan (University of Mazandaran, a.firozjayan@umz.ac.ir)

Hassan Ebrahimi Gatabi (University of Mazandaran, hasan.ebrahimigataby@gmail.com)

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2019/6/1

Accepted: 2021/12/28

Key Words:

neighborhood relations,
religiosity,
social capital,
Babol City

ABSTRACT

The development of urbanization and its multiple requirements have affected neighborhood relations in its traditional sense. In cities, heterogeneous groups and individuals who are culturally different and socially distant from each other live together. This heterogeneity weakens or destroys altogether the suitable ground for the development of face to face and neighborhood relations. Nevertheless, religiosity can be an important variable in empowering the neighborhood relations. So, this research analyzes the influence of religiosity on neighborhood relations among the people living in Babol, Mazandaran, Iran. The study was based on the survey method and the data were collected through questionnaires. The statistical population of this study consisted of all citizens over 25 years old living in Babol. The sample size consisted of 384 participants chosen through cluster sampling. The results showed that the rate of neighborhood relations in this city is slightly less than the average. The findings also showed that religiosity and its dimensions (ritual, doctrinal, consequential, empirical) explained 20% of the variance in neighborhood relations. The influence of religion on neighborhood relations was positive ($\beta= 0.40$). Based on the results of this study, it can be stated that religious and faith communities are the basis for gathering individuals and the most important productive sources of social capital in neighborhood relations. Therefore, it is suggested that due to the importance of the role of religious teachings in the amount of neighborhood relations and its promotion, it must be considered in policies relating to urbanization, particularly neighborhood relations.

مطالعه تأثیر دینداری بر روابط همسایگی

(مطالعه موردی شهروندان ساکن شهر بابل)

نادر رازقی (نویسنده مسئول، دانشگاه مازندران؛ razeghi@umz.ac.ir)

علی اصغر فیروزجائیان (دانشگاه مازندران؛ a.firozjayan@umz.ac.ir)

حسن ابراهیمی گتایی (دانشگاه مازندران؛ hasan.ebrahimigataby@gmail.com)

اطلاعات مقاله

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۷

واژگان کلیدی:

روابط همسایگی،

دینداری،

سرمایه اجتماعی،

شهر بابل

توسعه شهرنشینی و الزامات متعدد آن به شدت روابط همسایگی در معنای سنتی آن را متأثر ساخته است. در شهر افراد و گروه‌های ناهمگن در کنار هم اقامت دارند که با یکدیگر تفاوت‌های فرهنگی و فاصله‌های اجتماعی دارند. این ناهمگونی به مقدار زیادی زمینه مناسب برای توسعه روابط چهره به چهره و روابط همسایگی را از بین می‌برد یا تضعیف می‌کند. در عین حال دینداری می‌تواند متغیر مهمی در تحکیم روابط همسایگی باشد. بنابراین پژوهش پیش رو به بررسی تأثیر دینداری بر میزان روابط همسایگی شهروندان ساکن شهر بابل می‌پردازد. روش پژوهش پیمایشی بوده و داده‌ها از طریق پرسش‌نامه گردآوری شده است. جامعه آماری را همه شهروندان بالای ۲۵ سال ساکن شهر بابل تشکیل داده است. حجم نمونه تحقیق ۳۸۴ نفر بوده که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان روابط همسایگی در این شهر کمتر از میانگین است. افزون بر این، یافته‌های تحقیق نشان داد که دینداری و ابعاد آن (مناسکی، پیامدی، اعتقادی، تجربی) به میزان ۲۰ درصد از واریانس روابط همسایگی را تبیین می‌کنند. همچنین تأثیر دینداری بر روی روابط همسایگی مثبت ($\beta=0.40$) بوده است. براساس نتایج تحقیق، اجتماع‌های دینی و ایمانی مبنایی برای گرد هم آمدن افراد و مهم‌ترین منبع مولد سرمایه اجتماعی (در روابط همسایگی) محسوب می‌شوند. بنابراین پیشنهاد می‌شود به دلیل اهمیت نقش آموزه‌های دینی در میزان روابط همسایگی و ارتقای آن، در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با شهرنشینی به خصوص روابط همسایگی مورد توجه قرار گیرد.

طرح مسئله

شهرنشینی پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی است و خود به خود ایجاد کننده یک نوع سبک زندگی خاص می‌باشد. به نظر و عقیده جامعه‌شناسان شهری این نوع از سکنی گزیدن در شهر باعث ایجاد تغییرات در روابط اجتماعی و زندگی روزمره افراد می‌شود. به تعبیر لوئیس ورت^۱ شهر نوع خاصی از شیوه زندگی به نام شهرگرایی را پدید می‌آورد که این شهرگرایی را می‌توان در نوع لباس پوشیدن، نحوه سخن گفتن، نحوه اندیشیدن، نوع فعالیت، مکان زندگی و نوع روابط اجتماعی در شهر مشاهده کرد (شارع‌پور، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵). این تجدد و مدرنیته‌ای که باعث ایجاد زندگی شهری شده، مسائل مختلفی را برای جامعه امروزی از جمله در زمینه محیط زیست، روابط اجتماعی، جرایم مختلف و... به وجود آورده است. یکی از این معضلات، تغییر روابط اولیه و صمیمی در سطح همسایگی به روابط رسمی و ثانویه می‌باشد و این امر باعث شد که رابطه همسایگی به شدت در معنای سنتی آن دچار تحول عمده و اساسی گردد. چون در محیط شهری افراد و گروه‌های ناهمگن در کنار هم اقامت می‌کنند که با یکدیگر تفاوت‌های فرهنگی و فاصله‌های اجتماعی دارند. این ناهمگنی به مقدار زیادی زمینه مناسب را برای توسعه روابط چهره به چهره و همسایگی از بین می‌برد یا تضعیف می‌کند. همچنین مدت زندگی یا بودن در یک مکان نیز به شدت کاهش یافته است. در نتیجه در شهرها به علت جابجایی‌های متعدد و آپارتمان‌نشینی، افراد بیش از آنکه همسایه یکدیگر باشند، به منزله مسافرانی هستند که برحسب تصادف برای مدتی کوتاه در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند (فاضلی، ۱۳۹۱، ص ۲۸۴-۲۸۶).

تحقیقات مختلف در جامعه ما نشان می‌دهد که روابط همسایگی در حال افول می‌باشد (فاضلی، ۱۳۹۱؛ نیمروزی، ۱۳۸۹). البته این رابطه در سنت و فرهنگ ایرانی یا دقیق‌تر بگوییم در «شهر ایرانی» چنان اهمیتی داشت که گفته می‌شد «همسایه خوب از خویشاوند بهتر است» یا اینکه «همسایه از همسایه ارث می‌برد» (مجلسی، ۱۳۸۹، ص ۹۴) و اینکه «تا چهل خانه همسایه آدمی است» (صدوق، ۱۳۸۴، ص ۴۴۵). در کل همسایه

برای ما همواره یک «خودی» و نه «دیگری» بسیار نزدیک به شمار می‌آمده است (فاضلی، ۱۳۹۱، ص ۲۷۹).

عوامل مختلف اجتماعی می‌تواند بر روی میزان روابط همسایگی تأثیر داشته باشد؛ از جمله این عوامل می‌توان به اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی اشاره کرد؛ اما یکی از عوامل مهم از نظر این تحقیق که می‌تواند نقش مهمی را در این زمینه بازی کند دینداری می‌باشد. محققان بر نقش بی‌بدیل دین در زندگی و روابط اجتماعی تأکید کردند. دینداری یکی از عوامل اجتماعی است که هم می‌تواند این روابط را نه تنها در سطح جامعه گسترش دهد (کمیت) بلکه هم به صورت مطلوب و عمیق می‌تواند دامنه نفوذ آن را زیاد کند (کیفیت). در سایه دینداری می‌توان گفت که مردم بیشتر نسبت به هم احساس نزدیکی کرده و روابط صمیمی و چهره به چهره افزایش یابد. دورکیم^۲ دین را عامل همبستگی و ثبات اجتماعی و پایداری جامعه و مظهر قدرت جامعه می‌داند همچنین بر نقش مثبت دین در حل و فصل مشکلات اجتماعی، در ایجاد یگانگی و در معنویت که در جامعه به وجود می‌آید نیز تأکید می‌ورزد. افزون بر این از نظر او دین موجب ثبات، استمرار و پایداری جامعه می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۳). ماکس وبر^۳ نیز بر اهمیت دین در کنش اجتماعی تأکید می‌کند و این اهمیت را به سبب نزدیکی دین به نیروهای قدرتمند انگیزشی و توانایی آن به دادن صورت و الگو به این نیروها، و خلق صور و الگوهای ریشه‌ای جدید می‌داند (ویل، ۱۳۷۷، ص ۱۸).

در عین حال توسعه شهرنشینی به خصوص با افزایش روبه رشد جمعیت شهرنشین روند روبه رشدی داشته است. این موضوع سبب شده تا افزون بر شکل‌گیری بافت‌های نوظهور شهری که نوع خاصی از روابط در آنها جریان دارد بافت‌های قدیم شهر نیز دستخوش تغییراتی گردند. به تدریج همسایه‌ها و همسایگی در شهرهای امروزی در حال رنگ باختن است که این خود می‌تواند پیامدهای نامناسبی را برای ساکنان شهری به همراه داشته باشد. کم‌رنگ شدن ارتباطات دوستانه همسایگی به عنوان تضعیف سنتی مطلوب و تخریب یک «نهاد» اجتماعی با کارکردهای مثبت و مفید

2. Durkheim
3. Max Weber

1. Louis Wirth

گرفته است. در ادامه به مرور مهم‌ترین این نوع مطالعات در ادبیات داخلی و خارجی می‌پردازیم.

بخشی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیق به بررسی نقصان روابط همسایگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در ۹ محله شهر تهران پرداخته‌اند. تحقیق به صورت میدانی در ۹ محله منتخب از سه منطقه بالا، متوسط و پایین تهران به روش پیمایش و با تکمیل ۲۷۰ پرسش‌نامه صورت گرفته است. یافته‌ها نشان داد که زنان به طور معنی‌دار نسبت به مردان و متأهلان نسبت به مجردان، دارای روابط همسایگی قوی‌تری بودند. همچنین متغیرهای سن، مدت سکونت در منزل، نوع مالکیت شخصی یا سازمانی، میزان رضایت از همسایه، مشارکت اجتماعی، اعتماد بین شخصی، باورها در مورد همسایه‌ها، تعلق مکانی و استفاده از فضاهای عمومی بر روابط همسایگی تأثیر مثبت دارند. در مقابل، متغیرهای شاغل بودن، عضویت در گروه‌های ثانویه، تراکم جمعیت و میزان واحدهای همسایگی، جابه‌جایی محل سکونت، عقلانی شدن و تقسیم کار پیچیده دارای روابط منفی با روابط همسایگی هستند. در نتیجه با شناخت میزان تأثیر این عوامل می‌توان راه را برای ممانعت از کاهش روابط رو در روی مردم محلات که در شبکه اجتماعی مجاور خارج از محیط خانه قرار می‌گیرند، گشود و روابط همسایگی را به دارایی اجتماعی محلات تبدیل کرد. مشارکت اجتماعی بیش از همه عوامل در دوام روابط همسایگی مؤثر است.

کوثری (۱۳۹۴) در پژوهش خود با روش پیمایشی بر روی ۳۰۰ نفر از ساکنان محله کن در تهران به مطالعه تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر روابط همسایگی پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داده است که، دینداری، تأثیر معناداری بر میزان روابط همسایگی مؤثر بوده‌اند.

جلانی‌پور و عبدالله‌پور (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان روابط اجتماعی شهری؛ پژوهشی در چگونگی و عوامل مرتبط با آن در شهر سردشت انجام دادند. این بررسی، روابط اجتماعی ساکنان سردشت یکی از شهرهای مناطق کردنشین در جنوب غربی آذربایجان غربی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این تحقیق در سه سطح روابط خویشاوندی، همسایگی و دوستی به منظور توصیف

متعدد، برای جامعه بشری عموماً و در کشور ما به‌خصوص، آسیب‌های جبران‌ناپذیر خواهد داشت. همسایه‌ها می‌توانند سایه‌بان پرمحبت، چتر حمایتگر، سنگر امنیت و آرامشگر و پشتوانه استوار همدیگر باشند. همسایه‌ها می‌توانند آماده‌ترین مددکار، مهیباترین دادرس، محرم‌ترین مشاور و دلسوزترین حامی و یار برای خانواده‌ها باشند (افروز، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳-۱۰۴).

باید توجه داشت که تغییرات شکلی و محتوایی شهرها تنها مختص کلان شهرها نیست. بلکه شهرهای کوچک‌تر نیز تحت تأثیر تحولات جمعیتی دستخوش تغییرات مهمی شدند. یکی از این شهرها، جامعه مورد مطالعه این تحقیق یعنی شهر بابل می‌باشد. مطالعه میانگین نرخ رشد شهرنشینی در این شهر براساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن از اولین سرشماری سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۵ برابر با ۳/۸۵ بوده است. همین نرخ از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به میزان ۶/۸ بوده که از نرخ رشد جمعیت شهری در کل کشور به میزان ۱/۹۷ بسیار بیشتر است (مرکز آمار ایران). افزایش جمعیت شهری می‌تواند پیامدها و چالش‌های احتمالی مختلفی به همراه داشته باشد. از جمله این پیامدها، تغییر شکل روابط همسایگی می‌باشد.

باید توجه داشت که این تغییرات جمعیتی با تغییرات بافت مسکونی شهر نیز همراه بوده است. بدین‌صورت که این امر موجب شکل‌گیری مناطق یا شهرک‌های مسکونی جدید شد. در نتیجه این امر، به نظر شکل و نوع روابط بین افراد ساکن در این مناطق نسبت به گذشته تغییر یافته است. چرا که برخلاف مناطق سنتی که محله و همسایگی از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار بوده است در این مناطق فقدان محله نوع و میزان روابط همسایگی افراد با یکدیگر را تحت تأثیر قرار داده است. در عین حال به نظر می‌رسد که برخی عوامل از جمله تعهدات دینی هنوز از جایگاه مهمی در نوع و میزان روابط بین افراد در یک جامعه برخوردار است. بر این اساس پرسش اصلی این پژوهش این است که دین‌داری و ابعاد آنچه تأثیری بر روابط همسایگی در شهر بابل دارد؟

پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر مطالعات مختلفی در رابطه با روابط همسایگی با رویکردهای جامعه‌شناختی، فرهنگی و حتی شهرسازی صورت

ها به یکدیگر کاهش می‌یابد؛ اما در مواقع اضطرار هنوز جایگزین کارکردی در برابر همسایگی تحقیق نیافته است.

یوسفی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد با روش تحلیل ثانویه داده‌های همسایگی بر روی ۳۰ شبکه همسایگی در سه منطقه برگزیده شهر مشهد نشان داده‌اند که متغیرهای ثبات مسکونی، تراکم مسکونی، تنوع پایگاهی، تنوع قومی، مذهبی و محلی در تغییرات انسجام شبکه همسایگی مؤثر هستند.

در عین حال مطالعات در حوزه ادبیات خارجی به دلیل تغییر شکل سریع‌تر زندگی شهری در جوامع غربی و تأثیر آن در روابط اجتماعی در شهرها دارای تاریخچه قدیمی‌تر می‌باشد. در این بخش به مرور برخی مطالعات صورت گرفته در این رابطه می‌پردازیم.

وندنبرگ^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی به تحلیل چند سطحی عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی در سطح محله پرداخته‌اند. اطلاعات از طریق پرسش‌نامه از میان ۷۴۷ نفر از شهروندان در هلند گردآوری شده است. نتایج تحقیق نشان داده است که پیوندهای محلی تحت تأثیر عوامل چندگانه ویژگی‌های شخصی (سن، جنسیت، اندازه خانوار و کار)، شیوه رفت‌وآمد (تعداد ماشین و زمان رفت‌وآمد) و اندازه اجتماعی و وجود امکانات (فروشگاه، امکانات ورزشی و حمل‌ونقل عمومی) می‌باشد.

یافته‌های تحقیق چیشر^۲، فیتزجرالد^۳، کلارک^۴ و ریموند^۵ (۲۰۱۳) درباره تعاملات همسایگی با استفاده از داده‌های سرشماری کشور استرالیا در بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ نشان داد که تنوع قومی سبب کاهش روابط همسایگی می‌شود و در مقابل هر چه قدر مشابهت قومی و نژادی و دینی بیشتر باشد تعاملات و روابط همسایگی هم بیشتر می‌شود.

بریدج^۶ (۲۰۰۲) پژوهشی را با عنوان همسایگی و شبکه‌های اجتماعی انجام داد. هدف این مقاله مروری بر پژوهش‌های انجام

و تبیین روابط اجتماعی با الهام از دیدگاه‌های جبرگرایی و ترکیب‌گرایی به روش پیمایشی انجام شده است. یافته‌هایی که از داده‌های تحقیق به دست آمده است نشان می‌دهد که میانگین روابط اجتماعی در هر سه سطح بالا بوده و منطبق بر ویژگی‌های مدنظر دیدگاه ترکیب‌گرایی است. اگرچه بین ویژگی‌های شهرنشینان و میزان روابط اجتماعی آنها در هر سه سطح تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود؛ اما این تفاوت‌ها به جز در رابطه بین سن و تحصیلات با رابطه همسایگی و همچنین تحصیلات و رابطه خویشاوندی، در مورد بقیه متغیرها رابطه معنی‌داری وجود ندارد. در مجموع می‌توان گفت که فقط دو متغیر سن و تحصیلات تغییرات روابط اجتماعی را در سطوح خویشاوندی، همسایگی و دوستی در بین ساکنان شهر سردشت تبیین می‌کنند.

نیمروزی (۱۳۸۹) نیز در پژوهشی با عنوان سنخ‌شناسی روابط اجتماعی در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد به بررسی روابط همسایگی پرداخت. در این تحقیق شبکه همسایگی به‌عنوان قلمرو میانه‌ای از محیط‌های اجتماعی در نظر گرفته شده است که در آن همسایه‌ها به‌عنوان کنشگران محیط برحسب دامنه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات متقابل در یک مجاورت مکانی با یکدیگر پیوند نسبی دارند، این تحقیق از نوع توصیفی-اکتشافی است تحقیق به لحاظ دامنه و عمق، تحقیق پنهانگر است و به لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی است. روش تحقیق، روش پیمایشی بوده و ابزار گردآوری داده‌ها، به وسیله پرسش‌نامه محقق ساخته جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری تحقیق، همه خانوارهای ساکن در محدوده نقاط شهری مشهد است. حجم جامعه آماری ۴۲۴/۶۳۷ و حجم نمونه ۴۲۵ خانوار به دست آمده است. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب است. مهم‌ترین یافته این تحقیق نشان می‌دهد که روابط همسایگی در جامعه ما در حال تضعیف است؛ اما به لحاظ فراوانی تماس و کمک اضطراری هنوز اهمیت خود را از دست نداده است. بررسی انواع کنش‌های بین همسایه‌ها نشان می‌دهد که در موارد مهم‌تر نظیر کمک کردن به همسایه‌ها (نمره ۱/۳۵ در بازه ۰-۲) و رفتن به عیادت همسایه مریض (نمره ۱/۲) نمرات بالاتر از حد میانگین است. در واقع در شرایط عادی نیاز همسایه

1. Vandenberg.
2. Cheshire.
3. Fitzgerald.
4. Clarke.
5. Raymond.
6. Bridge.

تحقیقات داخلی صورت گرفته تأثیر مقوله دینداری بر روی روابط همسایگی بسیار کم پرداخته شده و حتی اگر هم پرداخته باشند تنها جنبه‌ای از جنبه‌های دینداری در کنار متغیرهای دیگر مورد بررسی قرار گرفت؛ لذا در این تحقیق تلاش شده است با تأکید بر دینداری به‌عنوان سازه‌ای نظری (دارای ابعاد مختلف) به جای پرداختن به کلان شهرها به تأثیر آن بر روابط همسایگی در شهرهای کوچک‌تر پردازیم. بر همین اساس شهر بابل به‌عنوان شهر پرجمعیت و در حال تغییر اجتماعی در استان مازندران جهت بررسی و آزمون مدل نظری مد نظر قرار گرفت.

چارچوب نظری

امروزه، در کنار سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین؛ سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی مطرح است. این مفهوم به پیوندها، ارتباطات میان اعضای یک شبکه به‌عنوان منبع باارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. سرمایه اجتماعی، راهی برای نیل به موفقیت و اصل محوری برای دستیابی به توسعه قلمداد می‌شود. از نظر بوردیو،^۲ سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل از شبکه‌ای بادوام از روابط کما بیش نهادینه‌شده، آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر عضویت در یک گروه است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد (تاجبخش، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸). پاتنام^۳ نیز سرمایه اجتماعی را آن دسته از عناصر و ویژگی‌های نظام اجتماعی (مانند اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های اجتماعی) می‌داند که هماهنگی و همکاری را در بین افراد یک جامعه برای دستیابی به سود متقابل تسهیل می‌کند (غریبی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸). سرمایه اجتماعی از نظر کلمن^۴ به لحاظ هنجاری و اخلاقی خنثی است. یعنی نه مطلوب است و نه نامطلوب. و صرفاً با فراهم کردن منابع لازم، وقوع کنش‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۶۲).

شده در آمریکا و اروپا که بیانگر کاهش اهمیت همسایگی در شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی است، می‌باشد. سرمایه اجتماعی بیرون محله، پیوند با همکاران و خویشاوندان است. روابط همسایگی پیوندهای ضعیف‌تری هستند؛ اما هنوز این روابط به لحاظ فراوانی تماس، روابط تفننی و کمک اضطراری اهمیت دارند. پیوندهای همسایگی قوی اغلب با شبکه‌هایی مرتبط است که در آنها ارتباطات بیرون از محله (نظیر ارتباطات خویشاوندی، روابط دوستی) ضعیف باشند. پیوندهای ضعیف بیرون از محله به لحاظ تأمین سرمایه اجتماعی غنی‌تر از روابط همسایگی درون محله‌ای (نظیر روابط همسایگی) هستند.

ویلسون^۱ (۱۹۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «شهرنشینی و روابط خانوادگی: آزمون چهار فرضیه» به دنبال سنجش تأثیر شهرنشینی بر چهار مسئله در رابطه با خانواده است: اینکه شهرنشینی موجب پراکنده شدن افراد خانواده می‌شود؛ شهرنشینی اهمیت افراد خانواده برای یکدیگر را کاهش می‌دهد؛ شهرنشینی تمامیت و استحکام خانواده را به مخاطره می‌اندازد و شهرنشینی کارکرد افراد در خانواده را تغییر می‌دهد. پراکندگی افراد خانواده با فاصله محل سکونت افراد سنجیده شد. اهمیت افراد خانواده با میزان و چگونگی روابط افراد اندازه‌گیری شد، استحکام خانواده با طلاق و زندگی با فرزندان مورد ارزیابی قرار گرفت و تغییر کارکردهای خانواده از طریق میزان اتکای افراد خانواده روی یکدیگر در شرایط مختلف مورد سنجش قرار گرفت. میزان شهری بودن مناطق با تعداد جمعیت هر منطقه سنجیده شد. نتایج نشان داد که هرچند شهری شدن باعث کاهش ملاقات‌های چهره به چهره با اقوام دور می‌شود و احتمال متأهل بودن را کاهش می‌دهد، و احتمال طلاق را بالا می‌برد، ولی این تأثیرات اندک هستند.

در جمع‌بندی پژوهش‌های پیشین باید گفت که تحقیقات خارجی صورت گرفته بیشتر بر متغیرهای تنوع قومی، نژادی و دینی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر کاهش روابط همسایگی تأکید کردند. در تحقیقات داخلی صورت گرفته غالباً تمرکز بر روی کلان شهرهایی مانند تهران یا مشهد معطوف بوده و به اثرات روابط همسایگی در شهرهای خرد کمتر پرداخته شد. همچنین در

2. Bourdieu
3. Putnam
4. Coleman

1. Wilson.

بیدادگران است. از دیگر کارکردهای دین آن است که چتر حمایت معنوی خود را بر پیروانش می‌گستراند و موجبات آرامش روحی و امید به آینده را در آنان فراهم می‌آورد دیگر آنکه از طریق دعوت به هنجارها و ارزش‌های مثبت تثبیت‌شده، اسباب شکل‌گیری تعاملات اجتماعی سالم مبتنی بر سنجایی اخلاقی مثبت چون صداقت، نوع‌دوستی، ایثار و اعتماد را فراهم می‌کند و بنابراین به مشارکت‌های گسترده افراد با یکدیگر دامن می‌زند و در نتیجه به ایجاد فضای مطلوب‌تر اجتماعی منجر می‌شود (فوکویاما، ۱۳۷۹).

کلمن یکی از عوامل تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی را مذهب می‌داند. او معتقد است، ایدئولوژی مذهبی با تحمیل این خواست به فرد که به سود چیزی یا کسی غیر از خودش عمل کند، سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد. در واقع دین می‌تواند فروبستگی شبکه‌های اجتماعی روابط را تقویت کند به طوری که روابط اجتماعی را افزایش داده و باعث افزایش سرمایه اجتماعی عینی شود (کلمن، ۱۳۷۷).

بنا به نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی شامل دو نوع سرمایه می‌شود. یکی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و دیگری سرمایه اجتماعی برون‌گروهی است. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، اشاره به راه‌هایی دارد که افراد با دیگران ارتباط نزدیک دارند و روابط میان آنها از نوع رابطه بسته است. چراکه دیگران نمی‌توانند در رابطه میان دو یا چند نفر (که با یکدیگر رابطه‌ای نزدیک دارند) سهیم شوند. این سرمایه اشاره به روابط میان گروه‌های متجانس دارد، گروه‌هایی مانند اعضای خانواده، دوستان نزدیک و به‌طور کلی کسانی که شباهت فکری بیشتری با هم دارند یا به قول دورکیم همه همانند هم هستند (پاتنام، ۲۰۰۲). در مقابل این سرمایه، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی قرار می‌گیرد که به راه‌هایی اشاره دارد که از سوی آن افراد توانایی برقراری ارتباط با یک پهنه وسیع از افراد دیگر را دارا هستند و می‌توانند ارتباطی گسترده و سودمند با دیگران برقرار سازند این ارتباط باز است (پاتنام، ۲۰۰۲). سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، زمانی رخ می‌دهد که افراد از حوزه (زمینه)‌های مختلف، در شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. این افراد معمولاً روابط آزمایشی با دیگران دارند، با اینکه این روابط عمقی نیست، اما گسترده است (با تعداد زیادی از افراد است). سرمایه

سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به‌عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹).

از نظر پاکستون^۱ (۱۹۹۹) می‌توان سرمایه اجتماعی را متشکل از دو بعد دانست:

- پیوندهای عینی میان افراد: یعنی ساختار شبکه‌ای عینی که افراد را به یکدیگر مرتبط کند. این مؤلفه نشان می‌دهد که افراد در فضای اجتماعی به یکدیگر مربوط‌اند.

- نوع ذهنی پیوند: یعنی پیوندهای بین افراد می‌بایست دارای ماهیت متقابل، مبتنی بر اعتماد و دارای هیجان‌ات مثبت باشد. اعتماد به این معناست که افراد از موفقیت‌های گروهی یا نهادی برای منافع خود بهره‌برداری نمی‌نمایند.

فوکویاما^۲ نیز در تقسیم‌بندی سرمایه اجتماعی را به دو بخش بیرونی و درونی تقسیم می‌کند، و یکی از منابع بیرونی را دین می‌داند. او معتقد است که دین یکی از سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی است (فوکویاما، ۱۳۷۹). در دیدگاه او ادیان و مذاهب با ترویج اندیشه‌هایی نظیر مشارکت، صداقت، اعتماد، ایثار، موجب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شوند؛ اما به اعتقاد وی تنها ادیانی می‌توانند در این زمینه موفقیت به‌دست آورند که افزون بر ایجاد اعتماد داخلی، زمینه برقراری روابط مؤثر و مفید را با دیگر گروه‌های مذهبی متفاوت ایجاد کنند (فوکویاما، ۱۹۹۹).

از نظر او دین بخش بزرگی از فرهنگ انسانی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند با ایجاد باورها و ارزش‌های مشترک میان پیروان خود و فراخوانی آنها به انجام مناسک و اعمال مذهبی مشترک آنان را به دور یکدیگر جمع کرده و از این طریق موجبات استحکام و دوام اجتماعی را فراهم کند. از سوی دیگر همین ویژگی بارز دین؛ یعنی متحد ساختن افراد با یکدیگر به هنگام ضرورت اجتماعی می‌تواند این افراد یکپارچه را به رویارویی با ظلم و استبداد فراخواند و بدین ترتیب به گلوگاه انقلابی تبدیل شود که هدفش مبارزه با ظلم و ستم

1. Paxton.

2. Fukuyama

اجتماعی برون‌گرومی، ممکن است به فضاهای اجتماعی (افقی) و یا چشم‌انداز جهان وسعت بخشد و یا فرصت‌هایی را برای کسب آگاهی یا منابع جدید، فراهم آورد. از طرف دیگر، آن راهی را برای حمایت‌ها و تقویت‌های احساسی برای شخص فراهم می‌آورد.

پاتنام معتقد است که کلیساها از طریق متحد ساختن مردم، دارای ارزش و نگرش‌های متفاوت، تقویت روحیهٔ بردباری و رابطهٔ متقابل در ایجاد سرمایهٔ اجتماعی بیرونی ایفای نقش می‌کند. تحقیقات وی نشان داده است که کلیسای سیاهان منبع قدرتمند و منحصر به فرد مشارکت سیاسی و عرصهٔ یادگیری مسائل عمومی و کسب مهارت‌های سیاسی و اجتماعی بوده است. به اعتقاد وی کلیسای سیاه‌پوستان سخاوتمندترین خزانهٔ سرمایهٔ اجتماعی آنها است (پاتنام، ۱۳۸۴). به نظر وی اجتماعات مذهبی و مؤسسات مذهبی آموزش‌های مهمی را در مهارت‌های شهری، هنجارها، گرایش‌های اجتماعی، فراهم می‌آورد (پاتنام، ۲۰۰۲).

مطالب بالا یادآور دیدگاه دورکیم در زمینه دین می‌باشد. دورکیم از آنجا که خواهان یافتن علل اصلی حضور همواره دین در جوامع است و به دنبال آن با نظاره کردن نقش مهم و کارکردهای دین و وظایفی که در طول حیاتش داشته است، تلاش می‌کند جایگاه دین را در بین سایر واقعیت‌های اجتماعی روشن کند (کوزر، ۱۳۹۲، ص ۱۹۹). در مجموع با بررسی نظریات اندیشمندانی نظیر دورکیم می‌توان به این نتیجه رسید که دین می‌تواند به‌عنوان سیمان اجتماعی در جهت انسجام و همبستگی اجتماعی مطرح و با ایجاد پیوندها و روابط اجتماعی به سرمایه اجتماعی معنا و جهت بخشد. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی می‌تواند منبع دینداری باشد، به این معنی که شبکه ارتباطی فرد یا به عبارتی، کمیت و کیفیت ارتباط اجتماعی به دینداری او جهت می‌دهد و نوع نگاه او را به دین تعیین می‌کند (چلبی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰).

برخی از نظریه‌پردازان مانند پریس و آکسین^۱ معتقدند سازمان‌های مذهبی با تشویق افراد جامعه به داشتن روابط خوب و توأم با اعتماد با اعضای خانواده و دیگر اعضای جامعه و برشمردن

1. Pearce and Axinn.

مزایای این‌گونه روابط آن را امری قابل تحسین می‌دانند. همچنین حضور در مناسک مذهبی کنش متقابل افراد را بیشتر می‌کند و باعث شکل‌گیری روابط پایدار و مثبت بین آنها می‌شود. در واقع مذهب این پتانسیل را دارد تا با ایجاد فروبستگی روابط اجتماعی افراد جامعه دوستان، نزدیکان، اعضای خانواده و بالاخره همهٔ افراد جامعه را در یک گروه همانند گردآورد و باعث اتحاد و همبستگی بین آنها شود (پریس و آکسین، ۱۹۹۸). به اعتقاد جانگ و جانسون^۲ نیز دینداران صداقت و اعتماد بیشتری در روابطشان با دیگران دارند و تشکیلات مذهبی از طریق آموزه‌های دینی همهٔ افراد جامعه را به صداقت و حفظ ارزش‌های اخلاقی تشویق می‌کنند (جانگ و جانسون، ۲۰۰۴). به زعم کاندلند^۳ دین از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی و تشویق ارتباط با سایر هم‌نوعان وظیفه‌شناسی، احترام نسبت به دیگران، صداقت و اعمال هنجارهای همبستگی می‌تواند منبع مهمی در جهت خلق سرمایهٔ اجتماعی و حفظ آن باشد (کاندلند، ۲۰۰۱). برخی معتقدند از آنجا که تشکیلات دینی نیز به حمایت‌های فعالانه مالی و عاطفی از دینداران می‌پردازند و شبکه‌های اجتماعی را خلق می‌کند، بدین وسیله تأثیر مثبتی بر افزایش سرمایهٔ اجتماعی بین پیروان خود خواهند داشت (ونن گات^۴ و همکاران، ۱۹۹۶). در واقع می‌توان گفت که مقوله دینداری از طریق آموزه‌ها، اعتقادات و مناسک دینی تأثیر مثبتی بر روابط اجتماعی و مشخصاً روابط همسایگی دارد.

پس با توجه به آنچه ذکر شد، رابطه متقابل و دوسویه‌ای بین میزان سرمایه اجتماعی و دینداری وجود دارد. از یک طرف مطابق نظریه دورکیم دین عامل انسجام و همبستگی اجتماعی و افزایش میزان سرمایه اجتماعی است. از سوی دیگر مطابق دیدگاه کلمن، سرمایه اجتماعی یک منبع است که عمل و رفتار فرد را مشخص می‌کند و کم‌وکیف روابط دینداری را جهت می‌دهد. بورديو نشان داد که ساختمان ذهنی^۵ هم جهان اجتماعی را تولید می‌کند و هم خودش تولیدشده جهان اجتماعی است. او ساختمان ذهنی را

2. Jang and Johnson.

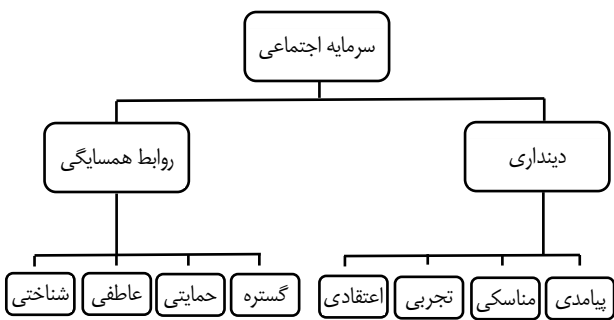
3. Candland.

4. Vonnegut.

5. Habitus.

افزایشی بر سازه روابط همسایگی و ابعاد آن خواهد داشت. در مجموع می‌توان گفت هر چه دینداری به‌عنوان نوعی سرمایه در جامعه افزایش یابد به طبع روابط همسایگی افزایش می‌یابد. چرا که دین به‌عنوان سیما اجتماعی عمل می‌کند و موجب تقویت پیوند اجتماعی و تکثیر روابط اجتماعی در جامعه به‌ویژه با افراد آشنا می‌کند. با توجه به مطالب گفته‌شده در بالا مدل نظری زیر جهت بررسی و آزمون تدوین شده است.

مدل نظری تحقیق



فرضیات تحقیق

در این تحقیق براساس مدل نظری انتخاب‌شده، به آزمون تأثیر دینداری و ابعاد آن بر روابط همسایگی می‌پردازیم.

فرضیه اصلی

دینداری (و ابعاد آن) بر روابط همسایگی (و ابعاد آن) تأثیر مستقیم دارد.

فرضیات فرعی

۱. بعد تجربی دینداری با روابط همسایگی رابطه مثبت معنی‌دار دارد.
۲. بعد مناسکی دینداری با روابط همسایگی رابطه مثبت معنی‌دار دارد.
۳. بعد پیامدی دینداری با روابط همسایگی رابطه مثبت معنی‌دار دارد.
۴. بعد اعتقادی دینداری با روابط همسایگی رابطه مثبت معنی‌دار دارد.

طرح‌های ملکه ذهن شده‌ای می‌داند که با آنها جهان اجتماعی ادراک، فهم، ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌کند. بر این اساس شکل دینداری همان ساختمان ذهنی و جهان اجتماعی همان سرمایه اجتماعی است که در این فرایند دیالکتیکی این دو به هم وابسته‌اند. با توجه به نظریه بوردیو می‌توان استدلال نمود همان‌گونه که ساختمان ذهنی جهان اجتماعی را می‌سازد، دین دینداران که الگوی ملکه ذهن آنان است، سرمایه اجتماعی را می‌سازد و جهت می‌دهد که این نوع دینداری خود برآمده از جهان اجتماعی متناسب با خود است (ملاحسنی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸).

بنابراین براساس نظریه‌های موجود می‌توان بیان کرد که میان دینداری و روابط همسایگی به‌عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی همبستگی بالایی وجود دارد. دینداری دارای ابعاد مختلف می‌باشد اعتقادات دینی می‌تواند به‌عنوان سرمایه اجتماعی عمل کند. (بعد اعتقادی دین) و از آنجایی که بیشتر آموزه‌های دینی بر مبنای احترام به حقوق دیگران، همیاری با افراد جامعه، معاشرت‌های سالم با هم‌کیشان، ایجاد اعتماد در دیگران و دیگر ارزش‌های اخلاقی نیک و مثبتی است که دینداران به آن توصیه می‌شوند، در صورتی که دینداران بدین شکل عمل کنند، در واقع دست به اعمالی می‌زنند که باعث بالا رفتن روابط در جامعه (به‌ویژه در سطح محله‌ای) می‌شود. (بعد تجربی دین) همچنین همه کارکردهای مطرح‌شده دین برای زندگی انسان‌ها، از جمله ایجاد آرامش روحی، احساس خوشبختی، رفع ناامیدی، رفع احساس تنهایی، هدفدار جلوه دادن زندگی و افزایش امید به زندگی و به طور خلاصه پی‌ریزی یک طرح سامان‌مند از زندگی همه از مواردی است که باعث ایجاد سرمایه اجتماعی در جامعه می‌شود (بعد پیامدی دین) در نهایت می‌توان گفت که مناسک دینی نوعی کنش جمعی است که طی آن افراد به توانمندی‌های لازم برای زندگی جمعی؛ از جمله احساس همدلی، آرامش، خوشبختی، انسجام، همبستگی، مشارکت دست می‌یابند که همگی از شاخصه‌های سرمایه اجتماعی است. (بعد مناسکی دین) (قاسمی و امیری اسفرجانی، ۱۳۹۰، ص ۲۷-۳۰). بر این اساس همه ابعاد چهارگانه دینداری (پیامدی، تجربی، مناسکی و اعتقادی) در این تحقیق به‌عنوان ابعاد سازه دینداری تأثیر مثبت و

روش تحقیق

روش این پژوهش پیمایشی^۱ بوده و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده است. جامعه آماری تحقیق حاضر همه شهروندان بالای ۲۵ سال (جمعیت آماری شهروندان در این بازه سنی در سال ۱۳۹۵ به میزان ۱۶۵/۵۵۹ نفر) شهر بابل بوده‌اند. که براساس فرمول کوکران حجم نمونه این پژوهش ۳۸۴ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق تصادفی چند مرحله‌ای بوده است. ابتدا از بین ۸۰ محله شهر، تعدادی از محلات به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند (۸ محله به نام‌های وک محله، درویش خیل، بندرکلا، مهدی‌آباد، هفت تن، کمانگرکلا، سید ذکریا و موزیرج). این محلات علی‌رغم قدیمی بودن تغییرات محیطی زیادی را از جمله تغییر شکل کیفی (نوع و سطح تعاملات) و کمی (تراکم جمعیتی و تغییر شکل فضاهای مسکونی و محله‌ای) در سال‌های اخیر تجربه کرده‌اند. سپس لیستی از مناطق مسکونی محلات هشت‌گانه انتخاب‌شده را تهیه نمودیم و سپس بلوکی در هر محله به صورت تصادفی ساده انتخاب می‌گردد و در نهایت در هر بلوک انتخاب‌شده ۵۰ خانوار به صورت تصادفی منظم براساس لیست حروف الفبایی انتخاب شدند که این شیوه نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای سه مرحله‌ای می‌باشد.

بررسی پایایی^۲

برای تعیین پایایی شاخص‌ها و گویه‌های این پژوهش از آلفای کرونباخ استفاده گردید. میزان آلفای به‌دست آمده برای گویه‌های روابط همسایگی ۰/۹۰ می‌باشد. و آلفای به‌دست آمده برای گویه‌های دینداری برابر با ۰/۸۷ است.

جدول شماره ۱: پایایی سازه‌های اصلی تحقیق

متغیر	تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ
روابط همسایگی	۱۶	۰/۹۰
دینداری کل	۱۸	۰/۸۷
دینداری اعتقادی	۴	۰/۸۸
دینداری تجربی	۵	۰/۷۷
دینداری مناسکی	۴	۰/۸۰
دینداری پیامدی	۵	۰/۷۱

1. Survey.
2. Reliability.

تعریف مفاهیم و نحوه سنجش متغیرها

الف) متغیر وابسته: روابط همسایگی

همسایگی در عرف شامل افرادی است که در مجاورت دیوار به دیوار در کنار هم زندگی می‌کنند؛ اما در ادبیات موضوع و هم از منظر آموزه‌های اسلامی همسایگی، به ابعاد طبیعی محدود نمی‌شود، بلکه طیف گسترده‌ای از هم‌نوعان را شامل می‌شود که در کنار یکدیگر دارای امور اجتماعی مشترک‌اند و در برابر هم مسئولیت اخلاقی دارند (ملکوتی‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۳۱). ماکس وبر همسایگی را روابط متقابل اجتماعی مبتنی بر مساعدت‌های متقابل در وضعیت‌های مختلف اضطراری و بحرانی دانسته (وبر، ۱۳۷۵) و چارلز هورتن کولی هم عقیده دارد همسایگان جزو گروه‌هایی هستند که به منزله پرورشگاه طبیعت انسانی به‌شمار می‌روند که در آنها احساسات پایه‌ای، ضروری، وفاداری و توجه به دیگران آموخته می‌شود و همسایگان با روابط متقابل چهره به چهره، مناسبات عاطفی و همانندی و همکاری نزدیک در تربیت اجتماعی و رشد عاطفی یکدیگر دارند (ستوده، ۱۳۹۰). و یا نزدیکی و تماس‌های اجتماعی (پارک و برگس، ۲۰۱۹) و روابط مثبت شامل کمک متقابل، تعهد، مراقبت و... بین همسایگان پایه و اساس همسایگی تلقی شده است (بولمر، ۱۹۸۶). به دلیل عدم وجود شاخص واحد و مورد توافق برای سنجش روابط همسایگی این مطالعه با جمع‌بندی ادبیات موضوع و پیشینه تجربی، روابط همسایگی را به‌عنوان شبکه‌ای از روابط متقابل اجتماعی دانسته و آن را در ابعاد شناختی، حمایتی، عاطفی و گستره تماس مورد سنجش قرار داده است. منظور از بعد شناختی یعنی اینکه فرد تا چه حد همسایگان خود را می‌شناسد و منظور از بعد حمایتی یعنی اینکه تا چه اندازه از طرف همسایگان در زمینه‌های مختلف حمایت می‌شوند و از کمک و یاری آنها برخوردار هستند. منظور از بعد عاطفی یعنی تا چه حد نسبت به همسایگان محبت و صمیمیت دارد و احساس نزدیکی می‌کند. چهارمین بعد یعنی گستره تماس به معنی میزان و دامنه ارتباط با همسایگان است. هر یک از این ابعاد در مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است.

ب) متغیر مستقل: دینداری

متغیر مستقل در این تحقیق سازه دینداری می‌باشد. در این پژوهش برای سنجش مفهوم دینداری از مدل گلاک و اشتارک استفاده شده است. ابعادی که گلاک و اشتارک برای دینداری در نظر گرفته است شامل بعد تجربی experiential، اعتقادی Belief یا ایدئولوژیکی Ideological، مناسکی Ritualistic و پیامدی Consequential و بعد دانشی یا فکری Intellectual بوده است. بعد دانشی به دلیل اینکه دانش افراد به عوامل زیادی به خصوص قدرت حافظه و میزان تحصیلات آنها بستگی دارد (سراجزاده و توکلی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵)؛ معرف مناسبی برای سنجش میزان دینداری فرد نیست. از این رو بعد دانشی یا فکری در این مطالعه، مورد استفاده قرار نگرفته است. در این پژوهش دینداری در چهار بعد تجربی، اعتقادی، مناسکی و پیامدی مورد سنجش واقع شده است. بعد تجربی: ناظر بر تجربیات زندگی معنوی که برای اشخاصی که به آن نایل می‌شوند این احساس ایجاد می‌شود که با خدا در ارتباط هستند. بعد اعتقادی یا باورهای دینی: ناظر بر اعتقادات به واقعیت الوهیت و امور متعلق بدان است و به رفتارهای دینی مشروعیت می‌بخشند و بعد پیامدی: ناظر بر اجرای اصول و فرامین دینی در زندگی روزمره است بعد مناسکی: همه اعمالی که از تجربه دینی مایه گرفته یا با تجربه دینی مشخص می‌شوند، همه در حکم بیان عملی مناسک هستند. به بیان محدودتر مناسک عمل یا اعمال پرستش انسان دیندار است (واخ، ۱۳۸۹، ص ۲۶) که شامل اعمال دینی مشخص همچون عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های دینی خاص، روزه گرفتن و... است که انتظار می‌رود پیروان آن دین بدانها اعتقاد داشته باشند (سراجزاده، ۱۳۷۷). ابعاد فوق از طریق مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است.

تحلیل یافته‌ها

توصیف اجمالی نمونه

در این تحقیق، ۴۲/۵ درصد (۱۶۵ نفر) از پاسخگویان را مردان و ۵۷/۵ درصد (۲۲۳ نفر) از آنها را زنان تشکیل می‌دهند که سهم بیشتر زنان در این داده‌ها به دلیل اینکه در زمان مراجعه به منازل زنان بیشتر در منزل نسبت به مردان بودند. همچنین گروه‌های سنی ۲۵-۳۴ سال با ۳۳/۲ درصد (۱۲۴ نفر) بیشترین تعداد پاسخگویان را تشکیل می‌دهند و بعد از آن، گروه سنی ۳۵-۴۴ سال با ۲۰/۶ درصد (۷۷ نفر) در رده دوم قرار دارند. کمترین تعداد پاسخگویان، مربوط به گروه سنی ۶۵-۷۴ سال با ۳/۲ درصد (۱۲ نفر) می‌باشد. دامنه سنی پاسخگویان ۱۶ تا ۷۴ سال و میانگین سنی آنها حدود ۳۶ سال می‌باشد. و ۷۰/۵ درصد (۲۷۲ نفر) پاسخگویان متأهل و ۲۶/۲ درصد (۱۰۱ نفر) از پاسخگویان مجرد و بقیه موارد در مجموع کمتر از ۴ درصد هستند. همچنین افراد با تحصیلات دیپلم با ۳۷/۳ درصد (۱۴۳ نفر) بیشترین افراد نمونه و بعد از آن افراد با تحصیلات لیسانس با ۳۲/۵ درصد (۱۲۳ نفر) و دکتری با ۱/۱ درصد (۴ نفر) کمترین افراد نمونه را تشکیل می‌دهند. در زمینه میزان سال‌های سکونت در یک محله را می‌توان گفت که بیشترین سال‌های سکونت مربوط به افرادی است که ۱۰ سال و کمتر از ۱۰ سال با ۴۲/۳ درصد (۱۶۶ نفر) و کمترین آن مربوط به خانواده‌هایی با سال‌های سکونت ۴۱ تا ۵۰ سال با ۰/۸ درصد (۳ نفر) می‌باشد. همچنین افرادی با منزل آپارتمانی ۵۳/۳ درصد (۲۰۴ نفر) و ساکنان با منزل آپارتمانی ۴۶/۷ درصد (۱۷۹ نفر) می‌باشد. و مالکان ۷۰/۸ درصد (۲۷۴ نفر) از نمونه را تشکیل داده و مستأجران ۱۶/۵ درصد (۶۴ نفر) و منازل پدري ۱۱/۶ درصد (۴۵ نفر) می‌باشد.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی جامعه مورد مطالعه بر حسب متغیر روابط همسایگی (نمره از ۱ تا ۵)

متغیر	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		تعداد کل	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
میزان روابط همسایگی	۳۹	۱۱/۴	۱۱۳	۳۳/۱	۱۳۵	۳۹/۶	۵۲	۱۵/۲	۲	۰/۶	۳۴۱	۱۰۰
میانگین از ۵												۲/۶۰

البته ۴۴/۵ درصد (۱۵۲ نفر) خیلی کم و کم با همسایگان خود دارای روابط هستند و ۱۵/۸ درصد (۵۴ نفر) از مردم زیاد و خیلی زیاد با همسایگان خود رابطه دارند.

با توجه به اطلاعات جدول میانگین روابط همسایگی در شهر بابل ۲/۶ می‌باشد و این نشان‌دهنده این نکته است که میزان روابط همسایگی در این شهر کمی پایین‌تر از میانگین (نمره ۳) است.

شماره ۳: متغیر روابط همسایگی (جدول توزیع فراوانی جامعه مورد مطالعه بر حسب متغیر روابط همسایگی)

میانگین از ۵	کل		خیلی زیاد		زیاد		تا حدودی		کم		خیلی کم		پرسش‌ها
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۲۴	۱۰۰	۳۹۳	۱۳/۷	۵۴	۲۱/۹	۸۶	۴۷/۶	۱۸۷	۸/۴	۳۳	۸/۴	۳۳	تا چه حد همسایگان خود را می‌شناسید؟
۲/۴۳	۱۰۰	۳۹۱	۲/۳	۹	۱۲/۵	۴۹	۳۶/۱	۱۴۱	۲۴/۳	۹۵	۸/۲۴	۹۷	تا چه حد با همسایگان رفت‌وآمد دارید؟
۲/۹۵	۱۰۰	۳۹۲	۱۱/۷	۴۶	۲۱/۴	۸۴	۳۱/۶	۱۲۴	۲۰/۷	۸۱	۱۴/۵	۵۷	زمانی که همسایگان بیمار شد تا چه حد امکان دارد به ملاقات وی بروید؟
۲/۱۰	۱۰۰	۳۸۵	۱/۳	۵	۸/۶	۳۳	۲۷/۳	۱۰۵	۲۴/۹	۹۶	۳۷/۹	۱۴۶	تا چه حد با همسایگان رفت‌وآمد خانوادگی دارید؟
۳/۷۸	۱۰۰	۳۸۷	۲۹/۵	۱۱۴	۳۴/۴	۱۳۳	۲۵/۶	۹۹	۵/۹	۲۳	۴/۷	۱۸	اگر همسایگان از شما وسیله‌ای بخواهد تا چه حد امکان دارد به وی قرض دهید؟
۲/۹۸	۱۰۰	۳۹۱	۱۱/۵	۴۵	۲۲/۸	۸۹	۳۴/۸	۱۳۶	۱۴/۳	۵۶	۱۶/۶	۶۵	تا چه حد در مهمانی که همسایگان ترتیب داده شرکت می‌کنید؟
۲/۹۰	۱۰۰	۳۹۰	۱۰/۰	۳۹	۱۶/۲	۶۳	۴۴/۴	۱۷۳	۱۳/۶	۵۳	۱۵/۹	۶۲	تا چه حد به همسایه پول قرض می‌دهید؟
۲/۳۶	۱۰۰	۳۸۹	۵/۹	۲۳	۱۲/۶	۴۹	۲۴/۹	۹۷	۲۴/۹	۹۷	۳۱/۶	۱۲۳	تا چه حد با همسایه خود در زمینه‌های مختلف درد و دل می‌کنید؟
۲/۸۷	۱۰۰	۳۸۶	۸/۸	۳۴	۲۲	۸۵	۳۵/۸	۱۳۸	۱۴/۵	۵۶	۱۸/۹	۷۳	تا چه حد احساس دوستی و خودی بودن با همسایه خود دارید؟
۳/۱۷	۱۰۰/۰	۳۹۰	۱۱/۳	۴۴	۲۳/۳	۹۱	۴۵/۱	۱۷۶	۱۱/۸	۴۶	۸/۵	۳۳	تا چه حد حاضر هستید وقت خود را صرف کمک به همسایگان کنید؟
۳/۳۱	۱۰۰	۳۹۲	۱۹/۱	۷۵	۲۶/۸	۱۰۵	۳۰/۹	۱۲۱	۱۲/۸	۵۰	۱۰/۵	۴۱	تا چه میزان مردم محله شما را می‌شناسند؟
۲/۶۷	۱۰۰	۳۹۲	۷/۹	۳۱	۱۷/۶	۶۹	۳۲/۴	۱۲۷	۱۷/۹	۷۰	۲۴/۲	۹۵	تا چه اندازه در مناسبت‌های مختلف (اعیاد و...) به دیدار همسایگان می‌روید؟
۲/۵۱	۱۰۰	۳۸۸	۵/۹	۲۳	۱۱/۳	۴۴	۳۶/۱	۱۴۰	۲۱/۱	۸۲	۲۵/۵	۹۹	رفت‌وآمد با همسایگان در یک ماه اخیر
۲/۶۱	۱۰۰	۳۸۸	۵/۴	۲۱	۱۴/۹	۵۸	۳۷/۱	۱۴۴	۲۱/۱	۸۲	۲۱/۴	۸۳	ملاقات با همسایگان در یک ماه اخیر
۱/۸۳	۱۰۰	۳۸۶	۲/۶	۱۰	۴/۹	۱۹	۱۸/۹	۷۳	۲۰/۷	۸۰	۵۲/۸	۲۰۴	رفتن به پارک با همسایگان در یک ماه اخیر
۱/۵۴	۱۰۰	۳۸۷	۰/۵	۲	۲/۱	۸	۱۳/۲	۵۱	۱۹/۴	۷۵	۶۴/۹	۲۵۱	رفتن به مسافرت با همسایگان در یک ماه اخیر

خیلی زیاد مردم محله خود را می‌شناسند ۴۶/۶ درصد (۱۸۱ نفر) در یک ماه اخیر کم و خیلی کم با همسایه خود رفت‌وآمد داشته و ۵۲/۸ درصد (۲۰۴ نفر) در یک ماه اخیر خیلی کم با همسایه خود به پارک رفته و ۶۴/۹ درصد (۲۵۱ نفر) خیلی کم با همسایه خود در یک ماه اخیر با همسایه خود به مسافرت رفته‌اند.

جدول بالا نشان می‌دهد که ۴۷/۶ درصد (۱۸۷ نفر) تا حدی همسایه خود را می‌شناسند و ۳۷/۹ درصد (۱۴۶ نفر) خیلی کم با همسایه خود رفت‌وآمد خانوادگی به همسایه داشته ۶۳/۹ درصد (۲۴۷ نفر) زیاد و خیلی زیاد اگر همسایه وسیله‌ای از آنها درخواست کنند به آنها قرض می‌دهند. و ۴۴/۴ درصد (۱۷۳ نفر) تا حدی به همسایه خود پول قرض می‌دهند. ۴۵/۹ درصد (۱۸۰ نفر) زیاد و

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی جامعه مورد مطالعه بر حسب متغیر میزان دینداری (نمره از ۱ تا ۵)

میانگین از ۵	تعداد کل		خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		متغیر
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۹۵	۱۰۰	۳۶۵	۱۷/۵	۶۴	۶۵/۲	۲۳۸	۱۲/۹	۴۷	۳/۸	۱۴	۰/۵	۲	دینداری

بر اساس اطلاعات جدول میزان دینداری افراد در سطح شهر می‌باشد. همچنین نمره میانگین کل دینداری ۳/۹۵ از ۵ می‌باشد. بابل تقریباً زیاد می‌باشد. ۶۵/۲ درصد از نمونه دارای دینداری زیاد

جدول شماره ۵: متغیر دینداری (جدول توزیع فراوانی جامعه مورد مطالعه برحسب متغیر دینداری)

پرسش‌ها	کاملاً مخالف		مخالف		تا حدودی		موافق		کاملاً موافق		کل	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
من به خدای یکتا اعتقاد کامل دارم.	۰/۲	۱	۰	۰	۵	۱۳	۱۹	۴/۹	۳۶۶	۹۳/۶	۳۹۱	۴/۹۱
من به بهشت و جهنم اعتقاد کامل دارم.	۳	۸	۰/۸	۱۸	۴/۶	۳۶	۹/۲	۳۲۶	۸۳/۴	۳۹۱	۴/۷۱	
من معتقدم پیامبران اولوالعزم مثل نوح، ابراهیم و... محمد فرستادگان خدا برای هدایت بشر هستند.	۱/۵	۶	۰/۳	۱۹	۴/۹	۳۱	۷/۹	۳۳۴	۸۵/۴	۳۹۱	۴/۷۵	
قرآن کلام خداست و هر چه می‌گوید حقیقت محض است.	۱	۴	۰/۸	۱۸	۴/۶	۲۴	۶/۱	۳۴۲	۸۷/۵	۳۹۱	۴/۷۸	
به معاد و روز قیامت اعتقاد کامل دارم.	۲/۱	۸	۰/۳	۲۳	۵/۹	۳۱	۷/۹	۳۲۷	۸۳/۸	۳۹۰	۴/۷۱	
دوستانم به من در نزدیک شدن به خدا کمک کرده‌اند.	۶/۲	۲۴	۵/۹	۶۹	۱۷/۷	۹۵	۲۴/۴	۱۷۹	۴۵/۹	۳۹۰	۳/۹۷	
در صورت کمک به مردم در مواقع نیاز احساس می‌کنم که آخرت خود را ساخته‌ام.	۲/۸	۱۱	۱/۸	۴۰	۱۰/۳	۱۱۶	۲۹/۸	۲۱۵	۵۵/۳	۳۸۹	۴/۳۲	
ارتباط خوب و مناسب با مردم باعث می‌شود خود را دیندارتر احساس کنم.	۴/۱	۱۶	۴/۱	۵۲	۱۳/۳	۱۱۵	۲۹/۵	۱۹۱	۴۹	۳۹۰	۴/۱۵	
دستورات دینی را در رابطه با مردم رعایت می‌کنم.	۲/۶	۱۰	۰/۸	۶۰	۱۵/۵	۱۳۷	۳۵/۳	۱۷۸	۴۵/۹	۳۸۸	۴/۲۱	

پرسش‌ها	اصلاً		خیلی کم		گاهی		اغلب اوقات		همیشه		کل	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
تا چه حد در طول سال نذر می‌کنید؟	۵/۱	۲۰	۱۴/۳	۵۶	۳۸/۴	۱۵۰	۱۰/۳	۲۶/۳	۶۲	۱۵/۹	۳۹۱	۳/۳۳
تا چه حد در طول سال نماز می‌خوانید؟	۶/۹	۲۷	۶/۹	۲۷	۱۰	۳۹	۷۴	۱۹	۲۲۲	۵۷/۱	۳۸۹	۴/۱۲
تا چه حد در ماه رمضان روزه می‌گیرید؟	۱۰/۸	۴۲	۶/۷	۲۶	۱۰/۱	۳۹	۶۶	۱۷	۲۱۵	۵۵/۴	۳۸۸	۳/۹۹
تا چه حد در طول سال استخاره می‌کنید؟	۲۴/۵	۹۴	۲۶/۹	۱۰۳	۲۶/۴	۱۰۱	۵۴	۱۴/۱	۳۱	۸/۱	۳۸۳	۲/۵۴
تا چه حد در طول سال در مراسم عزاداری شرکت می‌کنید؟	۱/۶	۶	۷/۳	۲۸	۱۹/۹	۷۷	۱۳۶	۳۵/۲	۱۳۹	۳۶	۳۸۶	۳/۹۶
تا چه حد در مراسم تاسوعا و عاشورا شرکت می‌کنید؟	۲/۳	۹	۴/۱	۱۶	۸/۵	۳۳	۶۰	۱۵/۴	۲۷۲	۶۹/۷	۳۹۰	۴/۴۶
تا چه حد در طول سال به زیارت اماکن متبرکه می‌روید؟	۴/۴	۱۷	۱۴/۲	۵۵	۳۲/۶	۱۲۶	۱۳۲	۳۴/۲	۵۶	۱۴/۵	۳۸۶	۳/۴۰
تا چه حد معمولاً اعمال نامناسب مردم را نسبت به خود بخش و عفو می‌کنید؟	۱/۸	۷	۵/۴	۲۱	۲۶/۶	۱۰۳	۱۶۳	۴۲/۱	۹۳	۲۴	۳۸۷	۳/۸۱
تا چه حد نسبت به دیگران راستگو هستید؟	۰/۵	۲	۱/۳	۵	۱۲/۶	۴۹	۱۹۰	۴۸/۸	۱۴۳	۳۶/۸	۳۸۹	۴/۲۰
به‌طور کلی تا چه حد نسبت به افراد جامعه اصول اخلاقی را رعایت می‌کنید؟	۰	۰	۲/۱	۸	۸/۷	۳۴	۱۷۹	۴۵/۹	۱۶۹	۴۳/۳	۳۹۰	۴/۳۰

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که ۹۳/۶ درصد (۳۶۶ نفر) کاملاً موافق‌اند که پیامبران اولوالعزم برای هدایت بشر از سوی خدا فرستاده شدند. ۴۵/۹ درصد (۱۷۸ نفر) دستورات دینی را نسبت به مردم رعایت می‌کنند. ۵۷/۱ درصد (۲۲۲ نفر) همیشه

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که ۹۳/۶ درصد (۳۶۶ نفر) کاملاً به خدای یکتا اعتقاد داشته و ۸۳/۴ درصد (۳۲۶ نفر) کاملاً موافق و اعتقاد به بهشت و جهنم داشته و ۸۵/۴ درصد (۳۳۴ نفر)

تثبیت شده، اسباب شکل‌گیری تعاملات اجتماعی سالم مبتنی بر سجایای اخلاقی مثبت چون صداقت، نوع‌دوستی، ایثار و اعتماد را در روابط همسایگی فراهم کند و بنابراین به مشارکت‌های گسترده افراد با یکدیگر دامن می‌زند. براساس نتایج این تحقیق که در راستای نتایج تحقیقات دیگر (کوثری، ۱۳۹۴؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸؛ چیشر و همکاران، ۲۰۱۳) بوده است دینداری و ابعاد آن موجب تقویت روابط همسایگی در جامعه به‌خصوص در اجتماعات محلی می‌شود.

با توجه به اینکه فرهنگ جامعه ما به‌شدت با دین درهم تنیده است و در سنت و مذهب ما تأکیدات فراوانی بر روی روابط خانوادگی و همسایگی شده است؛ از این رو دین را می‌توان یکی از عوامل مهم در شکل‌دهی روابط اجتماعی در جامعه در نظر گرفت. در واقع با تقویت ابعاد دینداری در میان افراد جامعه به نوعی شاهد تقویت تعهدات اجتماعی در معنای آن در جامعه هستیم. در اجتماعات امروزی هرچند تعاملات تحت تأثیر فردگرایی قرار می‌گیرد، اما دینداری همواره می‌تواند به‌عنوان تسهیل‌گر روابط اجتماعی و همچنین تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه عمل کند. براساس نتایج تحقیق، به دلیل اهمیت نقش دینداری در میزان روابط همسایگی و ارتقای آن، پیشنهاد می‌شود در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با زندگی شهری به‌خصوص روابط همسایگی این مسئله مورد توجه قرار گیرد.

با نگاه به روابط اجتماعی در گذشته، ما را به این واقعیت رهنمون می‌کند که اگر امروزه از نظر فیزیکی، همسایه‌ها بسیار نزدیک‌تر از گذشته، حتی با فاصله خیلی اندک مثل یک «تیغه»، در کنار هم زندگی می‌کنند؛ ولی از صفا و صمیمیت و یکرنگی روابط همسایه‌ها خبری نیست، در حالی که در زمانی نه چندان دور، در این مرزوبوم، افراد در خانه‌های بزرگ زندگی می‌کردند و فاصله آنها بیش از امروز بود؛ اما همسایگان رابطه‌ای بسیار نزدیک و صمیمی داشتند و در غم و شادی هم شریک و همراه بودند؛ اما امروزه در آپارتمان‌نشینی، اگر همسایه آپارتمان بغلی چند بار هم تغییر کند، ما به خود زحمت این را هم نمی‌دهیم که آنها را بشناسیم (اسماعیلی، ۱۳۸۳، ص ۳۲).

در کنار متغیرهای مختلفی که بر روابط همسایگی به‌عنوان شاخص از سرمایه اجتماعی تأثیر دارد دینداری از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. متغیری که در این تحقیق به‌عنوان متغیر تأثیرگذار بر روابط همسایگی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی ما نشان داده است که با افزایش دینداری افراد میزان روابط همسایگی نیز افزایش می‌یابد. همان‌گونه که نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی از جمله فوکویاما (۱۹۹۵)، (کلمن، ۱۳۷۷)، (پاتنام، ۲۰۰۲) استدلال کرده‌اند دین می‌تواند به‌عنوان سیمان اجتماعی در جهت انسجام و همبستگی اجتماعی مطرح و با ایجاد پیوندها و روابط اجتماعی همسایگان به سرمایه اجتماعی معنا و جهت بخشد. به نظر فوکویا، دین از طریق دعوت به هنجارها و ارزش‌های مثبت

منابع

۱. اسماعیلی، مهدی (۱۳۸۳)، گذری بر حقوق همسایگان در روایات و حقوق موضوعه، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۲. افروز، غلامعلی (۱۳۸۹)، روان‌شناسی رابطه‌ها، ویرایش اول، چاپ هفتم، تهران: ناشر دانشگاه تهران.
۳. بخشی، پریسا؛ امیر اکبری و نوین تولائی (۱۳۹۹)، «بررسی نقصان روابط همسایگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در ۹ محله شهر تهران»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، ۱۱، ص ۷-۳۴.
۴. پاتنام، روبرت (۱۳۸۴)، جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی در سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی، کیان تاجبخش، تهران: شیرازه.
۵. تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
۶. جلالی‌پور، حمیدرضا و جمال عبداله‌پور (تابستان ۱۳۹۰)، «روابط اجتماعی شهری؛ پژوهشی در چگونگی و عوامل مرتبط با آن در شهر سردشت»، رفاه اجتماعی، ش ۴۱، ص ۱۵۳-۱۹۰.
۷. چلبی، مسعود (۱۳۷۳)، «تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۵ و ۶، دوره دوم، تابستان و پاییز، ص ۹۵-۱۱۰.
۸. دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، صور بنیانی حیانت دینی، مترجم باقر پرهام، تهران: مرکز.
۹. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۰)، درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی، ویرایش سوم، چاپ چهاردهم، تهران: آوای نور.
۱۰. سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۷)، «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن بر نظریه سکولارشدن»، نمایه پژوهش، ۲ (۷، ۸)، ص ۱۰۵-۱۲۹.
۱۱. سراج‌زاده، سیدحسین و سیده مهناز توکلی (۱۳۸۰)، «بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی»، نامه پژوهش، ۵ (۲۰، ۲۱)، ص ۱۵۹-۱۸۸.
۱۲. شارع‌پور، محمود (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی شهری، چاپ پنجم، انتشارات سمت.
۱۳. صدوق (محمدبن‌علی ابن‌بابویه) (۱۳۸۴)، خصال، مترجم محمدباقر کمره‌ای، نشر کتابچی.
۱۴. غربی، حسن (زمستان ۱۳۸۹)، «پیش‌بینی سرمایه اجتماعی براساس متغیرهای زمینه‌ای»، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، سال دوم، ش ۲.
۱۵. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱)، فرهنگ شهر، چرخش فرهنگی در گفتمان شهری با تکیه بر مطالعات شهر تهران، تیسرا، تهران: به سفارش اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
۱۶. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
۱۷. قاسمی، وحید و زهرا امیری اسفرجانی (۱۳۹۰)، «تیین جامعه‌شناختی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲ (۲)، ص ۲۱-۴۶.
۱۸. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۹. کوثری، حمیدرضا (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر روابط همسایگی در محله کن تهران، اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع، مدیریت و حسابداری.
۲۰. کوزر، لوئیس (۱۳۹۲)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، چاپ هفدهم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۹)، جامع کتاب بحارالانوار، چاپ دوم، ج ۷۱، بیروت: نشر الامیره، ۱۴۳۲ هجری قمری.
۲۲. مرکز آمار ایران (۱۳۳۵-۱۳۹۰)، مراجعه در تاریخ www.amar.org.ir ۱۳۹۲/۱۱/۱۳
۲۳. ملکوتی‌نیا، علی (۱۳۹۹)، «مؤلفه‌های ارتباطات همسایگی در زندگی شهری با رویکرد اسلامی»، فصلنامه علمی-پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، ۱۲ (۲۴)، ص ۲۷-۵۴.

- and complaints. In *trabajo presentado en la RC21 Conference, Berlín* (Vol. 29).
34. Fukuyama, F. (1999, October), Social capital and civil society. In *IMF conference on Second Generation reforms* (Vol. 1).
35. Jang, S. J., & Johnson, B. R. (2004), Explaining religious effects on distress among African Americans. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 43(2), 239-260.
36. Park, R. E., & Burgess, E. W. (2019), *The city*. University of Chicago Press.
37. Paxton, P. (1999), Is social capital declining in the United States? A multiple indicator assessment. *American Journal of sociology*, 105(1), 88-127.
38. Pearce, Lisa D. and Axinn, William. (1998), The Impact of Family Religious Life on the Quality of Mother-Child Relations. *American Sociological Review*, Vol. 63, pp.810-828.
39. Putnam, R. D. (Ed.). (2002), *Democracies in flux: The evolution of social capital in contemporary society*. Oxford University Press.
40. Vandenberg, P, Arents, T. Timmermans, H. (2015), A multilevel analysis of factors influencing local social interaction. *Transportation*, volume 42 :807-826.
41. Vonnegut, Kurt., Updike, John and Wakefield, Dan. (1996), *Religion and Social Capital*. The Polis Center, <http://www.polis.iupui.edu/RUC/Newsletters/Religion/vol2no2.htm>.
42. Wilson, T. C. (1993), Urbanism and kinship bonds: a test of four generalizations. *Social Forces*, 71 (3), 703-712.
۲۴. ملاحسنی، حسین (۱۳۸۱)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و نوع دینداری دانش آموزان سال سوم دبیرستان در سطح استان گلستان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر امیر نیک پی.
۲۵. نیمروزی، نوروز (۱۳۸۹)، «سنخ‌شناسی روابط اجتماعی در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد»، پایان نامه جهت اخذ مدرک دکتری، استاد راهنما رحمت الله صدیق سروسستانی، تهران: دانشگاه تهران.
۲۶. واخ، یوآخیم (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی دین، چاپ اول، ترجمه جمشید آزادگان، سمت.
۲۷. وبر، ماکس (۱۳۷۵)، شهر در گذر زمان، چاپ سوم، ترجمه شیوا کاویانی، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۲۸. ویلم، ژان پل (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی ادیان، مترجم عبدالرحیم گواهی، تهران: علم.
۲۹. یوسفی، علی؛ محسن نوغالی و مهلا حجازی (بهار ۱۳۸۸)، «انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد»، جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، ش ۱، ص ۱۳۸-۱۶۱.
30. Bridge, G. (2002), The neighbourhood and social networks. *CNR paper*, 4, 1-32.
31. Bulmer, Martin (1986), *Neighbours. The Work of Philip Abrams*. Cambridge University Press: Cambridge.
32. Candland, C. (2001), Faith as social capital: Religion and community development in Southern Asia. In *Social Capital as a Policy Resource* (pp. 129-148). Springer, Boston, MA.
33. Cheshire, L., Fitzgerald, R., Clarke, A., & Raymond, S. (2013), Neighbourly problems in neighbourhood context: Understanding how neighbourhoods influence the prevalence of neighbourly problems